

## روح قرآنی امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا

محمد کریمی درچه / کارشناس ارشد علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم m.karimi901@chmail.ir

پذیرش: ۹۴/۹/۲۵

دریافت: ۹۴/۴/۱۶

### چکیده

یکی از جلوه‌های تجلی روح قرآنی امام حسین علیه السلام در لمحات قرآنی ایشان در نهضت عاشورا است که نشان می‌دهد قیام او برگرفته از منطق قرآن است و به نظر می‌رسد این لمحات و استنادات قرآنی امام حسین علیه السلام دارای پیام‌های گران‌بهایی است که درس‌های جاودانه آن برای انسان‌ها مفید است. بنابراین، این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی درصدد است این پیام‌ها را تبیین و تحلیل نماید و درس‌هایی را که به انسان‌ها می‌دهد روشن نماید. از مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر این است که استناد امام حسین علیه السلام به آیات خاصی از قرآن در موقعیت‌های خاصی از نهضت عاشورا نشان‌دهنده پیام‌ها و درس‌هایی خاص در جهت تبیین، تداوم و ماندگاری قیام ایشان است که این ماندگاری قیام ایشان، موجبات پایداری دین برای همیشه را پی‌ریزی می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه السلام، روح قرآنی، قرآن، نهضت عاشورا.

## مقدمه

بررسی استنادات قرآنی امام حسین علیه السلام از مدینه تا

## کربلا

مطالعه و بررسی منابع معتبر نشان می‌دهد که امام حسین علیه السلام در سخنان گران‌بهای خویش از مدینه تا کربلا در شانزده موقعیت و بالغ بر بیست بار از آیات قرآن بهره‌جسته و به آن اشاره نموده‌اند. سخنان ایشان، یا تبیین قرآن است و یا تحت تأثیر اصول و قواعد قرآنی. حقیقتاً قرآن و امام حسین علیه السلام دو ثقل ارزشمند و جدایی‌ناپذیرند، به گونه‌ای که اگر امام حسین علیه السلام لب به سخن می‌گشوده‌اند مثل این بوده است که قرآن را بیان می‌کنند و همچنین اگر آیات قرآن را مطالعه کنیم، می‌بینیم که سیدالشهدا علیه السلام جلوه تمام‌نما و آینه‌ای درخشان از قرآن هستند. در این بخش از مقاله، این موارد قرآنی، به ترتیب زمانی، از حرکت از مدینه تا شهادت ایشان مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱. هنگام خروج از مدینه

امام حسین علیه السلام بر خلاف عبدالله بن زبیر که به ملاقات با ولید حاضر نشد و شبانه و مخفیانه از مدینه خارج شد، پس از ملاقات با ولید در کمال آرامش در دو روز به آخر ماه رجب به همراه فرزندان و افراد خانواده‌اش به سوی مکه حرکت کرد. آن‌گاه که شهر مدینه را پشت سر می‌گذاشت و از آن فاصله می‌گرفت، این آیه مبارکه را تلاوت نمود: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (قصص: ۲۱)؛ موسی از شهر خارج شد درحالی‌که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای؛ عرض کرد: پروردگارا! مرا از این قوم ظالم‌رهایی بخش (ر.ک: مفید، ۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۵). این آیه در مورد حرکت موسی از مصر و آمادگی برای مبارزه با فرعونیان بود. از

قرآن کریم کتاب هدایت است، و هدایت شدن به وسیله قرآن مستلزم فهم، درک و دستیابی به مفاهیم آن می‌باشد. قرآن وظیفه تفسیر و تبیین معارف قرآن را بر عهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گذاشته و پیامبر نیز اهل بیت را، که یکی از دو ثقل هستند، در کنار قرآن قرار داده است. یکی از اهل بیت ایشان، امام حسین علیه السلام است که در طول حیات پربرتک خویش در موارد متعددی به آیات قرآن کریم استناد نموده است؛ یکی از بخش‌های مهم زندگی ایشان، در نهضت عاشورا است که ایشان قیام خود را تدریجاً بر مبنای قرآن شرح و بسط می‌دهد؛ بیان و شرحی که نشان از فهم و درک حقیقی قرآن از سوی ایشان و نشانگر علم حقیقی ایشان نسبت به قرآن می‌باشد و مؤید حدیث ثقلین است و همچنین نشان‌دهنده آن است که منطق او منطق قرآن است. پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که هدف، انگیزه و دلیل استفاده نمودن امام حسین علیه السلام از این آیات در نهضت عاشورا چیست؟ و چه پیام‌هایی را در پی دارد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد در مورد استنادات قرآنی امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا پژوهشی که ضمن بیان استنادات، به تبیین پیام‌های آن بپردازد، وجود ندارد. بنابراین، پژوهش حاضر پس از بیان استشهادات و استنادات قرآنی امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا، پیام‌ها و درس‌های آن را مورد پژوهش قرار خواهد داد. البته لازم به ذکر است که برداشت‌های ما از مراد و هدف امام حسین علیه السلام از تلاوت آیه خاصی در موقعیت خاص، برداشتی احتمالی و ظنی بوده و امری قطعی به حساب نمی‌آید؛ و مقصود ما از نهضت عاشورا، محدوده زمانی حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا و به شهادت رسیدن ایشان است.

باشی، ما برای تو کافی خواهیم بود. امام حسین علیه السلام برای آنان از خدای متعال جزای خیر طلب کرد و فرمود: این آیه را به یاد آورید که خداوند متعال فرموده است: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾ (نساء: ۷۸)؛ هر جا باشید، مر شما را درمی یابد هرچند در برج های محکم باشید! و سپس این آیه را تلاوت نمودند: ﴿لَسَبْرَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ﴾ (آل عمران: ۱۵۴)؛ آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه های خود، بیرون می آمدند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۳۱).

اگر فرض کنیم که یاران امام حسین علیه السلام شاهد این گفت و گوی حضرت با فرشتگان بوده اند، شاید استناد امام حسین علیه السلام به آیه ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا...﴾ دارای این پیام باشد که امام علیه السلام به دنبال تشویق کردن و ترغیب کردن به مبارزه با باطل و تسلیم نشدن در برابر ظلم و بی عدالتی بوده اند. این تشویق و ترغیب به وسیله آرامش دادن به یارانش صورت می گیرد؛ که ای عزیزان هرکجا باشید مر شما را فرا می گیرد و فرقی نیست که در میدان جنگ باشید یا غیر میدان جنگ؛ زیرا زمانی که مر فرارسد لحظه ای تأخیر و تردید نمی کند. و چه بهتر انسان اگر قرار است بمیرد، در میدان جنگ و مبارزه با باطل، جان به جان آفرین تسلیم نماید و بهشت برین و بالاتر از آن، همنشینی با اهل بیت علیهم السلام را نصیب خود گرداند! بهترین و روشن ترین مؤید این تحلیل که بیان کردیم، آیه بعدی است که امام تلاوت می نماید: ﴿لَبَّرَ الَّذِينَ...﴾؛ آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه های خود، بیرون می آمدند. مؤید دیگر این تحلیلی که بیان کردیم، تفسیر و پیامی است که در تفسیر نور ذیل آیه ﴿لَبَّرَ الَّذِينَ...﴾ کتب... آمده است: اعتقاد به مقدرات حتمی پروردگار، به انسان آرامش می دهد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۹).

اشاره امام حسین علیه السلام به این آیه و استناد به آن، فهمیده می شود که حرکت امام علیه السلام از مدینه به سوی مکه از روی ترس و برای فرار نبوده است و نشان می دهد که ایشان بر این باور بوده اند که حرکت به سوی مکه باید آزادانه و در کمال آرامش صورت پذیرد؛ وگرنه می توانستند مانند این زبیر به جای راه معمولی و مستقیم، از راه مخفیانه حرکت کنند. همچنین سخن امام حسین علیه السلام در پاسخ به مسلم بن عقیل هنگام حرکت از مدینه، شاهدی زیبا بر این مدعاست و این برداشتی را ذکر نمودیم، تقویت می کند: «لَا وَاللَّهِ يَأْتِنَ عَمِّي! لَا فَارَقْتُ هَذَا الطَّرِيقَ أَبَدًا أَوْ أَنْظُرَ إِلَىٰ أُبْيَاتِ مَكَّةَ أَوْ يَقْضَىٰ اللَّهُ فِي ذَلِكَ مَا يُحِبُّ وَ يَرْضَىٰ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۵)؛ نه به خدا سوگند ای پسر عمو! من هرگز از این راه جدا نمی شوم تا خانه های مکه را ببینم یا خداوند آنچه را که دوست دارد و می پسندد پیش آورد.

همچنین استناد امام علیه السلام به این آیه نشان دهنده آن است که حرکت و قیام عاشورا الهام گرفته از راه و روش انبیای الهی بوده است و امام علیه السلام از ایشان الگوگیری نموده اند و نهضت حسینی و عاشورا هیچ گونه تضادی با راه انبیای پیشین ندارد. چنان که آیت الله جوادی آملی می فرماید: «امام حسین علیه السلام وارث پیامبران الهی است و برای اثبات اینکه نهضت آن حضرت مانند قیام موسای کلیم است، گام به گام، آیاتی را که درباره حضرت موسی نازل شده بود، قرائت می فرمودند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۰).

## ۲. خروج از مدینه، در مسیر مکه

هنگامی که سیدالشهداء علیه السلام از مدینه بیرون آمد، گروه هایی از جن که مسلمان بودند به حضور امام حسین علیه السلام مشرف شدند و گفتند: ای سید ما! ما شیعه و انصار تو هستیم. هر امری که داری و هرچه که می خواهی به ما بفرما! اگر تو ما را به قتل کلیه دشمنانت مأمور فرمایی و در همین مکان

### ۳. هنگام ورود به مکه

امام حسین علیه السلام پس از پیمودن مسیر مدینه نبوی به سوی مکه مکرمه، در سوم شعبان وارد مکه معظمه گردیدند و در حالی که وارد این شهر می شدند، این آیه را تلاوت نمودند: ﴿وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (قصص: ۲۲)؛ و چون (موسی) به سوی مدین روی نهاد، گفت: امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت فرماید. این آیه در مورد حرکت موسی علیه السلام از مصر به سوی مدین است (مفید، ۴۱۳، ج ۲، ص ۳۵). از اینکه امام حسین علیه السلام در ابتدای حرکت خویش و زمانی که به مکه رسیدند، این آیه را تلاوت نمودند، چنین برداشت می شود که اولاً، در همه کارها باید به عنایت و هدایت ویژه خداوند متعال توجه داشت و در غیر این صورت، آن کار مهمل و بی اثر خواهد بود و ثانیاً، باید ابتدا برای آن هدف والای خود، کمی به حرکت دربیاییم و نمودی از عشق به هدف خویش در خود ایجاد نماییم و سپس به خداوند بگوییم: خدایا! تو بین که من برای هدف والای خود تلاش کردم، پس مرا به بهترین راهها هدایت کن. مؤید این مطلب، در آنجایی است که در تفسیر نور ذیل آیه شریفه مذکور آمده است: «اول حرکت کنیم، سپس دعا کنیم و امیدوار باشیم» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۵). همچنین در نگاهی دیگر به تلاوت این آیه از قرآن توسط امام حسین علیه السلام، این مسئله برداشت می شود که امام حسین علیه السلام با تلاوت این آیه می خواهند نشان دهند که اگر طاغوت و حکومت ناحقی وجود داشت و محیط آلوده به گناهی به روشنی مشهود بود، نه تنها هیچ گونه ترس و اضطرابی از انجام فرمان الهی نداشته باشیم و ناامید نشویم، بلکه از خداوند متعال هدایت و عنایت خاص و ویژه اش را بیشتر از دیگر مواقع خواستار باشیم.

### ۴. هنگام خروج از مکه

طبری و دیگران نقل کرده اند: امام حسین علیه السلام هنگامی که از مکه برای رفتن به کوفه بیرون آمد، فرستادگان عمرو بن سعید بن عاصف حاکم مکه به سرپرستی برادرش یحیی بن سعید نزدیک تنعیم به ایشان رسیدند و پیشنهاد برگشتن به مکه کردند که امام علیه السلام نپذیرفت، و چون گفت و گو به تندی کشید و با تازیانه به یکدیگر حمله کردند؛ امام حسین علیه السلام به راه خود ادامه دادند، فرستادگان حاکم مکه موسی علیه السلام از مصر به سوی مدین است (مفید، ۴۱۳، ج ۲، ص ۳۵). فریاد داشتند: ای حسین! آیا از خدا نمی ترسی که از جماعت فاصله می گیری و میان امت پراکنده می افکنی؟ حضرت در پاسخ آنان این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿لِيَّ عَمَلِيَّ وَ لَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَ أَنَا بَرِيٌّ مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (یونس: ۴۱)؛ عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شما انجام می دهید بیزارم! (طبری، بی تا، ج ۵، ص ۳۸۵). در تفسیر روان جاوید در مورد این آیه چنین آمده است: «پس از اصرار کفار به تکذیب پیغمبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت مأمور شد به اعراض از آنها و واگذار نشان به حال خودشان؛ چون معلوم شد گوش شنوا و چشم بینا ندارند و نمی خواهند بشنوند و ببینند و بدانند و با این قبیل اشخاص هیچ نوع سخن گفتن مفید نیست، فقط باید از آنها تبری نمود تا تکلیف قطعی نسبت به آنها معلوم شود» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۲). چنان که مرحوم طبرسی در مورد ارتباط این آیه با آیات قبلش بر این باور است که چون خدای تعالی دلیل های توحید و نبوت را بیان داشت و کافران دشمنی کرده و آنها را تکذیب نمودند، خداوند در این آیه دستور قطع ارتباط با آنها و تهدیدشان را به پیغمبر داد (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۱۶۹).

احترام برسید: آهنگ کدام شهر داری؟ فرمود: مردم کوفه برای من نامه نوشته‌اند و خواسته‌اند پیش ایشان بروم؛ امیدوارم حق را زنده کنند و بدعت‌ها را از میان بردارند. عبدالله بن مطیع گفت: تو را به خدا سوگند به کوفه مرو که اگر آنجا بروی کشته خواهی شد. امام علیه السلام در پاسخ او این آیه را تلاوت فرمود: ﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه: ۵۱)؛ بگو: هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است او مولا (و سرپرست) ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند! (دینوری، بی‌تا، ص ۲۹۴).

با بررسی این آیه در تفاسیر و فهم دقیق آیه و همچنین موقعیت سخن (زمان، مکان و مخاطب سخن)، با بیان سه مطلب ذیل، روشن می‌شود که چرا امام حسین علیه السلام در میان همه آیات قرآن به این آیه استناد کردند:

۱. ما مأمور به وظیفه‌ایم نه ضامن نتیجه. امام علیه السلام با تلاوت این آیه، فکر غلط عبدالله بن مطیع را برایش روشن می‌کند که کشته شدن دلیلی بر شکست نیست؛ با این تحلیل که اکنون بر ما واجب است قیام کنیم و نتیجه آن ممکن است دو چیز باشد: اول اینکه اگر بر دشمن غلبه کنیم و به حکومت برسیم، حق را اجرا می‌کنیم؛ در ظاهر و باطن پیروز شده‌ایم و دوم اینکه اگر کشته شویم و به شهادت برسیم، باز هم پیروز شده‌ایم، لکن در باطن؛ چه اینکه به وظیفه عمل کرده‌ایم و نفس عمل به تکلیف در نظام احسن الهی تأثیر حکیمانه‌ای دارد. کما اینکه بعد معلوم شود خون سیدالشهدا ضامن بقای دین گردید و دین و عقیده اسلامی حفظ خواهد شد.

۲. سختی‌های جبهه رویارویی حق و باطل، تحقیر شدن مؤمنان از سوی کافران و کشته شدن در راه انجام وظیفه، عدالت خواهی و مبارزه با ظلم، چون تقدیر الهی و خواست خداوند حکیم و مولای ماست، شیرین و

بنابراین، به نظر می‌رسد که استناد امام حسین علیه السلام به آیه مذکور دارای پیامی است که به شرح زیر می‌باشد:

امام علیه السلام در این موقعیت با تلاوت این آیه و ادامه دادن راه خود، می‌خواهند نشان دهند که در مقابل تکذیب‌کنندگان و کسانی که کار حق و صحیح را بد جلوه داده و آن را ناصحیح می‌شمارند، باید موضع‌گیری نمود و به شدت با آنان برخورد نمود و سازش کردن با کفار بدترین کاری است که می‌شود انجام داد. در واقع، امام علیه السلام با تلاوت کردن این آیه و ادامه دادن به راه خویش، علاوه بر اینکه اعتراض خود را نسبت به آنان اعلام می‌نماید و بنای عدم سازش با آنان دارد، همچنین اعلام می‌کند که راه درست همین راهی است که ایشان انجام می‌دهد؛ از این رو، امام علیه السلام با استواری به راه خودشان ادامه می‌دهند و می‌فرمایند که عمل شما برای خودتان و عمل من هم برای خودم؛ شما از عمل من بیزارید و من از عمل شما بیزارم!

و این باید درس عبرتی برای ما باشد که اگر امروزه آمریکا به بهانه هسته‌ای و... به تحریم ما می‌پردازد و ما را محکوم به تروریسم بودن می‌کند، ما نیز به پیروی از امام حسین علیه السلام با اعتقاد راسخ به حرکت صحیح خود، به حرف این شیطان بزرگ که به فرموده امام خمینی علیه السلام تروریسم بالذات است، گوش ندهیم و به او بگوییم که شما از عمل ما بیزارید و ما از عمل شما بیزاریم! و با استواری و دقت نظر و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به راه خود ادامه دهیم که قطعاً پیروزی در عدم اعتماد به آمریکا و تکیه بر توان داخلی خواهد بود.

### ۵. سخنی با عبدالله بن مطیع

در برخی از منابع آمده است که در میان راه مکه و کوفه و نزدیک منطقه بطن الرمه، عبدالله بن مطیع که از عراق برمی‌گشت به دیدار سیدالشهدا آمد و پس از سلام و

دلنشین است و هیچ موقع دلزدگی ندارد. بله، سخن پیام عاشورا پیامی جاودان و برای همه انسان‌هاست، پس مؤمنان باید بدانند که در راه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج دین الهی، خسته شدن و ناراحتی و دلزدگی بی‌معناست؛ چون منطبق مؤمنان آن است که «کتب الله لنا؛ خداوند بر ما مقدر ساخته است.

۳. در انجام وظیفه الهی از عده و عده زیاد دشمن نهراسید و ناامید نباشید. شما برای آنچه تکلیف است، گام بردارید و حرکت نمایید، ولی در کنار آن باید به خداوند توکل نمایید؛ زیرا خداوند تکیه‌گاه واقعی مؤمنان خواهد بود و شما را یاری خواهد کرد.

#### ۶. در منزل ثعلبیه و پاسخ به سؤالی

امام حسین علیه السلام در مسیر خود به کربلا به منزل ثعلبیه وارد گردید. نقل شده است که در این منزل سه گفتار داشته‌اند؛ گفتاری به مناسبت شهادت مسلم و دو گفتار در پاسخ به دو نفر سؤال‌کننده (طبری، بی تا، ج ۶، ص ۲۳۰؛ ابن اثیر، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۸۱-۲۸۲).

در یکی از این سؤال‌ها، شخصی در مورد آیه‌ای از قرآن سؤال می‌کند و امام علیه السلام در پاسخ به ایشان، به آیه‌ای دیگر استناد می‌کند. این قضیه به نقل از محدث بزرگ شیعه شیخ صدوق به این صورت نقل شده است: شخصی در منزل ثعلبیه از محضر مبارک امام حسین علیه السلام تفسیر این آیه شریفه را پرسید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» (اسراء: ۷۱)؛ (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! امام در پاسخ وی فرمود: «إِمامٌ دَعَا إِلَى هُدًى فَأَجَابُوهُ إِلَيْهِ وَ إِمَامٌ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَأَجَابُوهُ إِلَيْهَا هُوَ لَاءِ فِي النَّارِ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ آری، امام و پیشوایی که مردم را به راه راست و به سوی سعادت و خوشبختی می‌خواند و

گروهی به وی پاسخ مثبت داده و از او پیروی می‌کنند. و پیشوای دیگری نیز هست که به سوی انحراف و بدبختی دعوت می‌کند، درحالی‌که گروه دیگری نیز به وی جواب مثبت می‌دهند که گروه اول در بهشت است و گروه دوم در دوزخ. بنابراین، امام علیه السلام در تفسیر آیه‌ای که مورد سؤال قرار گرفت، آیه هفتم سوره «شوری» را بیان می‌کند: «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» (شوری: ۷)؛ گروهی در بهشتند و گروهی در دوزخ (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۵۳).

امام حسین علیه السلام در این پاسخ زیبای خود، فرصت را غنیمت شمرده و غیرمستقیم به پادشاه بزرگ همراهی با امام واقعی مسلمان که چیزی جز بهشت نیست، اشاره می‌کنند و از طرفی دیگر، عواقب شوم همراهی با رهبر ظالم را گوشزد نموده و عاقبت ارزنده حرکت در مسیر نهضت حسینی را تبیین می‌نمایند. خوشا به حال آن کسانی که امام حسین علیه السلام را یاری نموده و به درجه رفیع شهادت نایل آمده و در بهشت برین جای گرفتند.

از این پاسخ امام و استناد به این آیه دریافت می‌گردد که در حرکت، برای رسیدن به هدف باید ارزش کاری که انجام می‌شود و عواقب و نتایج حرکت را در نظر گرفت و برای همراهان روشن و تبیین نمود، که این کار علاوه بر روشن کردن مسیر حقیقت و زدودن شبهات در مسیر، جنبه تشویقی و تحرکی دارد و بسیار مناسب بوده و کارآمدی و پیشرفت کار را دوچندان می‌کند.

#### ۷. هنگام شنیدن خبر شهادت قیس بن مسهر

##### صیداوی (پیک امام)

امام حسین علیه السلام توسط قیس بن مسهر صیداوی نامه‌ای به جمعی از شیعیان کوفه و... فرستادند. مأمور ابن زیاد راه را بر وی بست و در پی تفتیش وی برآمد، قیس نامه امام را دریده و نابود کرد. ابن زیاد از این کار برآشفته شد و گفت:

تجلیل از مقام ایشان، می‌توانسته آثار تربیتی در اطرفیان امام داشته باشد و ایشان را برای جا نماندن از قافله عشق و فیض شهادت بیدار سازد و به برداشت غلطشان آگاه نماید. توجه کردن به این قسمت از آیه که می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ﴾ (و بعضی دیگر در انتظارند)، این سخن ما را تأیید می‌کند. چنان‌که در تفسیر نور ذیل این عبارت آمده است: «انتظار شهادت نیز یک ارزش است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۴۷). و روشن است که روی این سخن به اطرفیان امام علیه السلام است و در مورد ابن مسهر صیدل‌اوی نمی‌باشد. بنابراین، شاید امام علیه السلام می‌خواهند، اطرفیان را متوجه این منظور بنمایند که همیشه پیروزی و ارزشمندی انسان در شکست دادن دشمن نیست و اگر در این راه هم شهید شویم، باز هم پیروز میدان جنگ هستیم؛ چراکه به وظیفه الهی خود، یعنی مبارزه با طاغوت و طاغوتیان پرداخته‌ایم و اگر شما هم در انتظار شهادت باشید و پیمان خود را به پایان برسانید، این کار شما ارزشمند است و موجب قرار گرفتن شما در صف مؤمنان خواهد شد و به رستگاری و پیروزی دلنشینی خواهید رسید.

#### ۸. سخنی با عبیدالله بن حر جعفی

نقل شده است: در منزل بنی مقاتل به امام حسین علیه السلام اطلاع دادند که عبیدالله بن حر جعفی نیز در این منزل اقامت گزیده است. امام حسین علیه السلام به دیدار او رفتند و پس از تعارفات و سخنان معمولی که میان عبیدالله و آن حضرت رد و بدل شد، امام علیه السلام خطاب به وی فرمود: پسر حر! مردم شهر شما (کوفه) به من نامه نوشته‌اند که همه آنان به نصرت و یاری من اتحاد نموده و پیمان بسته‌اند و از من خواسته‌اند که به شهرشان بیایم! ولی حقیقت امر برخلاف آن است که آنان به من نگاشته‌اند و تو در دوران عمرت گناهان زیادی را مرتکب شده و خطاهای فراوانی

به خدا که دست از تو بر نمی‌دارم جز آنکه اسامی این گروه را که مربوط به نامه است بگویی یا بر فراز منبر رفته و حسین و پدر و برادرش را لعن کنی، وگرنه قطعه قطعه کنم. قیس به منبر آمد و خدای را ستایش کرد و ثنا گفت و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و بسیار طلب رحمت برای علی علیه السلام و فرزندان علیهم السلام نمود و بر ابن زیاد و پدرش لعن فرستاد و هکذا گردنکشان بنی‌امیه را تا آخرین لعنت فرستاد و آن‌گاه گفت: مردم، من فرستاده حسین علیه السلام نزد شمایم و او را در فلان منزل پشت سر گذاشتیم، دعوتش را بپذیرید. این خبر به ابن زیاد رسید، فرمان داد تا از فراز قصر فرو افکندندش که به شهادت رسید. خبر شهادت ایشان به امام حسین علیه السلام رسید (ر.ک: سیدبن طاووس، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸).

امام علیه السلام در این هنگام این آیه را تلاوت نمودند: ﴿فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (احزاب: ۲۳)؛ گروهی از مؤمنان بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند (طبری، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۰؛ المقرم، ۱۳۹۹ق، ص ۲۲۰).

شاید استناد امام حسین علیه السلام به این آیه از قرآن در هنگام شهادت قیس بن مسهر صیدل‌اوی، جنبه تربیتی داشته باشد؛ زیرا نقل شده است: هنگامی که خبر شهادت ایشان به امام حسین علیه السلام رسید، طرم‌اح‌بن عدی و یارانش در محضر امام حسین علیه السلام بودند و طرم‌اح‌بن عدی از وضعیت نامطلوب کوفه و قطعی بودن کشته شدن امام علیه السلام و یارانش خبر می‌دادند و از امام حسین علیه السلام می‌خواست که به احبا (منطقه سکونت قبیله‌شان) سفر کند (ر.ک: همان). بنابراین، بیان کردن کمالات قیس بن مسهر صیدل‌اوی و

گردی؟ (نجمی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).

شاید استناد امام حسین علیه السلام به این آیه نشانگر این مطلب هم باشد که در نهضت حسینی افراد گناهکار وجود ندارد و همه کسانی که برای قیام همراه او هستند افراد امین و درستکار هستند. همچنین تلاوت این آیه از سوی امام علیه السلام درسی است برای همه مسئولان و مدیران که در انتخاب همکاران و زیردستان خود باید از افراد صالح و هادی استفاده نمود، نه از افراد گمراه و لجاجت‌کننده بر گناهان.

#### ۹. در نزدیکی کربلا

در منزل بنی‌مقاتل و در اواخر شب، امام دستور داد جوانان مشک‌ها را پر از آب کنند و به سوی منزل بعدی حرکت نمایند. هنگامی که قافله در حرکت بود، صدای امام به گوش رسید که کلمه «استرجاع» را مکرر بر زبان می‌راند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (آل‌عمران: ۱۵۶)؛ ما از آن‌ خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم! در این هنگام، حضرت علی‌اکبر، فرزند شجاع و دلیر امام حسین علیه السلام، از انگیزه این استرجاع پرسش نمود. امام علیه السلام چنین پاسخ دادند: من لحظه‌ای خواب خفیفی به چشمم آمد؛ در این موقع صدای پیام‌رسانی به گوشم رسید که می‌گفت: این جمعیت در حرکتند، من نیز در تعقیب آنهاست و برای من معلوم گردید که این خبر مر ماست. حضرت علی‌اکبر فرمود: خدا حادثه‌ بدی پیش نیاورد، مگر ما بر حق نیستیم؟ امام فرمود: آری، به خدا سوگند که ما جز به راه حق قدم بر نمی‌داریم! علی‌اکبر عرض کرد: پدرجان وقتی بر حق هستیم، دیگر از مر در راه او باکی نیست. امام در این هنگام او را دعا کرد و فرمود: خداوند به تو بهترین پاداش فرزندی را عنایت کند (طبری، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۵۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۹۱؛ خوارزمی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۲۶).

از تو سر زده است؛ آیا می‌خواهی توبه کنی و از آن خطاها و گناه‌ها پاک گردی؟ عبیدالله گفت: مثلاً چگونه توبه کنم؟ امام علیه السلام فرمود: فرزند دختر پیامبر را یاری نموده و در رکاب وی با دشمنان او بجنگی. عبیدالله گفت: به خدا سوگند! من می‌دانم که هرکس تو را یاری کند به سعادت و رستگاری خواهد رسید، ولی من احتمال نمی‌دهم که کمک من سودی به حال تو داشته باشد؛ زیرا در کوفه کسی پشتیبان شما نیست و به خدا سوگندت می‌دهم که مرا از این کار معاف بداری؛ زیرا من از مر سخت‌گریزانم، ولی اکنون اسب معروف خود را به حضورتان تقدیم می‌کنم. امام علیه السلام در جواب او فرمودند: حال که در راه ما از نثار جان امتناع می‌وزری، ما نیز نه به تو نیاز داریم و نه به اسب تو. و در تعلیل این سخن خود این آیه را تلاوت نمودند: «... وَ مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا» (کهف: ۵۱)؛ و من هیچ‌گاه گمراه‌کنندگان را دستیار خود قرار نمی‌دهم! (ر.ک: طبری، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۰۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۸۲؛ خوارزمی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۲۶).

اگر کسی اشکال کند که چرا امام حسین علیه السلام از فردی گناهکار درخواست کمک کرد، در جواب او می‌گوییم: اولاً، امام علیه السلام در پایان سخن خود این شبهه را پاسخ داده است و فرموده است که من هیچ‌گاه از گمراه‌کنندگان کسی را دستیار خود قرار نمی‌دهم. ثانیاً، کار امام حسین علیه السلام همانند رفتن حضرت مسیح به همراه حواریون به منزل زن بدکاره است. حضرت مسیح انگیزه این رفتن را این‌گونه پاسخ داده که طیب باید گاهی به منزل مریض برود. امام حسین علیه السلام هم در ملاقات با عبیدالله بن حمر جعفی همان مسئله طبابت و نجات او از گناهان و جنایت‌های فراوان گذشته‌اش را عنوان نمود و راه‌هایی را در پیش پای او قرار داد و فرمود: آیا آمادگی داری و می‌خواهی که توبه کنی و از خطاها و گناه‌هایت پاک



نجمی در شرح استناد امام حسین علیه السلام به آیه اول چنین می‌گوید: «آیه اول، فلسفه برتری ظاهری گروه ظالم و جنایت کار را روشن می‌کند و نباید این تفوق و برتری ظاهری موجب ناراحتی و انکسار مؤمنان شود؛ بلکه این پیروزی، موقتی و مهلتی است از سوی خداوند تا گروه جنایتکار هرچه بیشتر در منجلاب فساد و گناه قرار گیرند و یکسره در آن غرق شوند و اگر مناقشه در تعبیر نباشد، باید بگوییم این فرصتی است تاکتیکی. هر گروه و حکومت و هر شخصی که با داشتن روش ظالمانه مشمول چنین فرصت موقت و تاکتیکی باشد، باید خود را آماده روزی کند که عذاب خدا به سخت‌ترین وجهی او را فرا خواهد گرفت» (نجمی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۴-۲۲۵).

همچنین ایشان در شرح آیه دوم که امام حسین علیه السلام به آن استناد می‌کنند، می‌گوید: «آیه دوم در مورد گروه مؤمنان است که اگر روزی به بلا و مصیبت گرفتار می‌شوند و به ظاهر با هزیمت و شکست مواجه می‌گردند، باز هم برای امتحان و آزمایش است تا پاکان و نیکان از بدان متمایز گردند» (همان).

#### ۱۱. در بخش نخست از اولین سخنرانی در روز

##### عاشورا

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در اولین خطابه خود با صدای بلند و رسا به افراد لشکر عمر بن سعد چنین می‌فرمایند: ای مردم! حرف مرا بشنوید و جنگ و خون‌ریزی نکنید تا من وظیفه خود را که نصیحت و موعظه شمامست انجام دهم و انگیزه سفر خود به این منطقه را توضیح دهم، اگر دلیل من را پذیرفتید و با من از راه انصاف درآمدید، راه سعادت را دریافته‌اید و دلیلی برای جنگ با من ندارید و اگر نپذیرفتید و از راه انصاف نیامدید... سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت نمودند: ﴿...

و اما حقیقتاً پیام این مطلب که امام علیه السلام این آیه را تلاوت نمودند چیست؟

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «پیام این استرجاع این است که من می‌روم تا امت را از اسارت رها و دین را احیا کنم؛ نه اینکه به طرف من حرکت کنم. اگر گاهی سخن از من به میان می‌آید، اظهار نگرانی نبوده است، بلکه می‌خواستند به همراهان بفهمانند که پایان این کار، من است و آنان که از من می‌هراسند با ما نیایند؛ این قافله سیر می‌کند و من هم آن را تعقیب می‌کنم؛ ولی دین، عقل و عدل مرده زنده می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۶).

#### ۱۰. قرائت امام در شب عاشورا

شب عاشورا در میان خیمه‌های حسین بن علی علیه السلام جنب و جوش عجیب و نشاط فوق‌العاده‌ای به چشم می‌خورد و افراد به عبادت پروردگار خود مشغول بودند. امام علیه السلام مشغول خواندن این دو آیه از قرآن بودند که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُذَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (آل‌عمران: ۱۷۸)؛ آنها که کافر شدند (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است! و همچنین آیه ﴿مَّا كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ (آل‌عمران: ۱۷۹)؛ چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان‌گونه که شما هستید واگذارد، مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹۵).

از استناد امام حسین علیه السلام به این آیات در شب عاشورا فهمیده می‌شود که حضرت می‌خواستند وضع هر دو گروه را که در مقابل هم قرار گرفته‌اند بیان نمایند. آیت‌الله

## ۱۲. در بخش پایانی اولین سخنرانی روز عاشورا

در روز عاشورا پس از آنکه شمر بن ذی الجوشن - لعنت خدا بر او باد - سخنان سیدالشهدا علیه السلام را قطع نمود و خطاب به حضرت گفت: او در ضلالت است و نمی‌فهمد چه می‌گوید، در این هنگام، حبیب بن مظاهر از سوی لشکر حضرت به او پاسخ داد: ای شمر! تو در ضلالتی و نمی‌فهمی؛ چون خداوند قلب تو را مهر زده است. در این هنگام بود که امام حسین علیه السلام در بخش پایانی سخنان خود در روز عاشورا پس از معرفی خود و استدلال بر بطلان حرکت دشمن برای جنگ و خونریزی و مشاهده لجاجت و عناد آنان، به آیه‌ای دیگر از قرآن کریم استناد می‌کنند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنِّي عُدْتُ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونَ﴾ (دخان: ۲۰)؛ و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از اینکه مرا متهم کنید! این آیه مربوط به گفتار حضرت موسی علیه السلام در مقابل عناد و لجاجت فرعونیان است.

امام حسین علیه السلام با بیان این آیه، در برابر لجاجت سپاه دشمنان به درستی این مطلب را تبیین نموده‌اند که در مقاومت و مقابله با دشمن، نباید تهمت و نسبت‌های ناروا مانع از حرکت و مبارزه با دشمن شود و دایم باید خداوند را مدنظر داشت. مؤید این سخن در تفسیر نور، ذیل پیام‌های آیه فوق چنین آمده است: «تهمت و شکنجه نباید مانع کار شود» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹۶). همچنین از عبارت «آن ترجمون» که در پایان آیه است، فهمیده می‌شود که لجاجت و عناد شدیدی در آن موقع از سوی سپاه دشمن وجود داشته است که روحیه حق‌پذیری و حق‌پرستی دشمن را تحت الشعاع خود قرار داده است و به همین خاطر است که سیدالشهدا علیه السلام به خداوند پناه می‌برد از اینکه او را متهم کنند!

فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿ (یونس: ۷۱)؛ فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید، سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند (تمام جوانب کارتان را بنگرید)، سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلتم ندهید! (اما توانایی ندارید!) و سپس این آیه را تلاوت نمودند: ﴿إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾ (اعراف: ۱۹۶)؛ ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی می‌کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹۷).

به نظر می‌رسد با توجه به محتوای آیات مذکور، امام حسین علیه السلام با استناد به این آیات در واقع، می‌خواهند علاوه بر تحقیر کردن نیروهای دشمن و پوچ شمردن قدرت آنان و اتمام حجت با ایشان، به نوعی مؤمنان را تشویق کنند و ضمن تقویت روحیه شجاعت و تصمیم قاطع داشتن در ایشان، قوای حقیقی سپاه خود را به درستی برای آنان تبیین نمایند، که این از اصول برتر و لازم مبارزه است.

همچنین شاید سیدالشهدا علیه السلام با استناد به آیه ﴿إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾ در واقع، می‌خواهند با عبارت «نزل الكتاب» نشان دهند که مبنای قیامشان قرآن کریم است و طرح و نقشه اصلی حرکت و نهضت حسینی از قرآن است و اجراکننده و اداره‌کننده این نقشه و طرح توسط خدایی است که ارتباط نزدیکی با مؤمنان دارد ﴿إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ﴾ و همه صالحان را سرپرستی می‌کند. این فعل امام، علاوه بر تشویق مؤمنان و نهراسیدن آنان از جنگ، موجب می‌شود که اگر کسانی بدون آگاهی و اطلاع در سپاه دشمن قرار گرفته‌اند، از اشتباه خود آگاه شوند و به جمع یاران امام علیه السلام بپیوندند.

### ۱۳. در دومین سخنرانی در روز عاشورا

در دومین سخنرانی در روز عاشورا، امام حسین علیه السلام پس از تبیین وضعیت آشفته و عاقبت شوم سپاه دشمن و بیان این مطلب که ما هرگز به زیر بار ذلت نخواهیم رفت، می‌فرماید: به خدا سوگند! پس از این جنگ به شما مهلت داده نمی‌شود که سوار بر مرکب خویش گردید و آسیاب حوادث شما را دگرگون خواهد کرد و مضطربتان خواهد نمود و این عهد و پیمانی است که پدرم علی علیه السلام از جدم رسول‌الله صلی الله علیه و آله بازگو نموده است. سپس امام علیه السلام این آیات را تلاوت می‌نماید که خداوند می‌فرماید: ﴿... فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَ كُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ﴾ (یونس: ۷۱)؛ فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید، سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند (تمام جوانب کارتان را بنگرید)، سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلتم ندهید! (اما توانایی ندارید!). نیز می‌فرماید: ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هِيَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود: ۵۶)؛ من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام! هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد (اما سلطه‌ای با عدالت! چراکه) پروردگار من بر راه راست است! (ر.ک: خوارزمی، ۱۳۹۴ق، ج ۲، ص ۸۷).

آیه اول که امام علیه السلام به آن استناد می‌کند، در بند یازدهم (در اولین سخنرانی در روز عاشورا) شرح داده شد. و اما آیه دوم: از عبارت «آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا» (او بر آن تسلط دارد) که در آیه است، چنین برداشت می‌شود که سیدالشهدا علیه السلام در مقابل لجاجت و عناد دشمن، می‌خواهند به قهر و عدل الهی اشاره کنند. این سخن با بیانی از تفسیر نمونه تأیید می‌شود. در تفسیر نمونه ذیل این عبارت چنین آمده است: «این تعبیر برای آن است که مستکبران مغرور و بت پرستان

از خودراضی، و سلطه‌جویان ستمکار، فکر نکنند اگر چند روزی میدان به آنها داده شده است، دلیل بر آن است که می‌توانند در برابر اراده پروردگار، کوچک‌ترین مقاومتی کنند، باشد که آنها به این واقعیت توجه کنند و از مرکب غرور فرود آیند» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۱۳۸).

### ۱۴. هنگام شهادت مسلم بن عوسجه

طبری نقل کرده است: هنگامی که مسلم بن عوسجه با تن خون‌آلود به خاک افتاد و هنوز رمقی در وی بود، حسین بن علی به همراه حبیب بن مظاهر به بالین او آمد و در کنارش نشست و چنین گفت: رحمک الله یا مسلم؛ خدا تو را رحمت کند ای مسلم! سپس این آیه را تلاوت نمودند: ﴿فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَنْظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (احزاب: ۲۳)؛ گروهی از مؤمنان بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۳).

امام علیه السلام در کنار بالین خون‌آلود مسلم بن عوسجه با تلاوت این آیه، تسلی خاطر و آرامش به او می‌دهد که عمل تو وفای به عهد با خداست و خوشا به سعادت تو، بهشت برین گوارای وجود تو! از طرفی دیگر، به حبیب بن مظاهر که به همراه امام بودند، مژده شهادت را می‌دهد و او را برای رویارویی با باطل ترغیب و تشویق و تقویت می‌کند.

### ۱۵. هنگام وداع حضرت علی‌اکبر با پدرش امام

#### حسین علیه السلام

پس از آنکه یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام شربت شهادت نوشیدند و نوبت به افراد خاندان آن حضرت رسید، اول کسی که قدم به میدان گذاشت و در راه اسلام و

آیه از قرآن را تلاوت می‌کرد: ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾ (کهف: ۹)؛ آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟! در این هنگام که من موی بر تنم راست شده بود، ناگهان از خود بی خود شده، فریاد زدم: ای فرزند رسول خدا ﷺ داستان تو از اصحاب کهف بسیار اعجاب‌انگیزتر و شگفت‌آورتر است (مقرم، ۱۳۹۹ق، ص ۴۳۳).

چرا سر مطهر امام حسین ﷺ در این مقطع از زمان، از میان همه آیات قرآن، این آیه را تلاوت نمود؟ شاید پیام اینکه امام ﷺ این آیه را تلاوت نمودند این باشد: ای شنونده! بدان و بفهم که اصحاب کهف که برای حفظ دین و عقاید و همچنین رهایی از ظلم ستمگر زمان خود به غار پناه آوردند، شگفت‌آورتر از قیام و نهضت ما نیست! زیرا قیام ما با عزمی جزم و تصمیمی استوار و در کمال حریت و آزادگی از مر بود. و ما از شهادت استقبال کردیم تا شاهد انحراف و نابودی دین نباشیم! اسارت رفتن اهل بیت ﷺ خویش را قبول کردیم تا دین در اسارت دشمن نباشد. و به استقبال شهادت رفتیم، ولی لحظه‌ای در برابر ظلم و بی‌عدالتی تسلیم نشده و کوتاه نیامده‌ایم و به دنبال منافع حزبی و گروهی و شخصی نبوده‌ایم و منافع دین را اصل و مبنا قرار دادیم که حقیقتاً منفعت دین چیزی جز منافع و مصالح دنیوی و اخروی انسان‌ها نیست. و راه حق و عدل و آزادی را بر راه ننگین و زندگی ذلت‌بار ترجیح دادیم.

### نتیجه‌گیری

با مطالعه و پژوهش در استنادات قرآنی امام حسین ﷺ در نهضت عاشورا، روشن می‌شود که ایشان دارای روح بزر قرآنی هستند و متناسب با موقعیت (زمان، مکان و مخاطب) به آیات استناد نموده است. همچنین از

قرآن به مبارزه پرداخت حضرت علی اکبر فرزند امام حسین ﷺ بود. امام ﷺ در این هنگام که پسرش می‌خواست با او خداحافظی کند، این آیه را تلاوت نمودند: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ - ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران: ۳۳-۳۴)؛ خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند و خداوند، شنوا و داناست (و از کوشش‌های آنها در مسیر رسالت خود، آگاه می‌باشد) (خوارزمی، ۱۳۹۴ق، ج ۲، ص ۳۰).

تلاوت این آیه در آستانه ورود حضرت علی اکبر ﷺ به میدان نبرد با دشمنان، نشانگر این حقیقت است که حضرت علی اکبر ﷺ علاوه بر اینکه ثمره شجره طیبه وجود با برکت حضرت سیدالشهدا ﷺ است، یابوری همراه و همسنگری مطیع و دارای امتیازات و ویژگی‌های برتر و فوق‌العاده دیگری نیز هست. شدت اندوه و ناراحتی و بی‌تابی امام حسین ﷺ پس شهادت علی اکبر ﷺ گواه و مؤید دیگری بر این حقیقت است.

### ۱۶. قرآن خواندن سر مبارک امام حسین ﷺ

مواردی متعدد ذکر شده است که سر مبارک امام حسین ﷺ آیاتی از قرآن را قرائت نموده است. بررسی همه آنها در مقاله‌ای دیگر امکان‌پذیر است و از حوصله این نوشتار خارج است. در این قسمت، به بیان یکی از آنها خواهیم پرداخت. زید بن ارقم می‌گوید: زمانی که عبیدالله بن زیاد دستور داد سر مقدس سالار شهیدان امام حسین ﷺ را در محله‌ها و در بازارهای کوفه بگردانند، درحالی‌که سر آن بزرگوار روی نیزه بود، از جلوی غرفه من عبور داده شد، دیدم که سر مطهر ابی‌عبدالله ﷺ این

**منابع** .....

- ابن اثیر، عزالدین، ۱۳۷۲، **تاریخ الکامل**، تهران، اساطیر.
- ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ق، **تفسیر روان جاوید**، تهران، برهان.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، **عقل در پرتو نهضت حسینی**، چ پنجم، قم، اسراء.
- ، ۱۳۹۱، **کوثر کربلا**، قم، اسراء.
- خوارزمی، موفق بن احمد، ۱۳۹۴ق، **مقتل الحسین**، قم، مکتبه مفید.
- دینوری، احمد بن داود، بی تا، **اخبار الطوال**، مصر، چاپخانه عبدالحمید.
- سیدین طاووس، ۱۳۸۰، **اللهوف علی قتلی الطفوف**، ترجمه حسن میرابوطالبی، قم، دلیل ما.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۰ق، **امالی**، چ پنجم، بیروت، اعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه و تحقیق علی کریمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر، بی تا، **تاریخ الامم و الملوک**، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- قراقرنی، محسن، ۱۳۸۳، **تفسیر نور**، چ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمدباقر، بی تا، **بحار الانوار**، تهران، اسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقدم، عبدالرزاق الموسوی، ۱۳۹۹ق، **مقتل الحسین**، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۲، **تفسیر نمونه**، چ هجدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدصادق، ۱۳۹۱، **سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا**، چ شانزدهم، قم، بوستان کتاب.

استنادات قرآنی امام حسین علیه السلام چنین برداشت می شود که آن حضرت حقیقتاً اصول و مبانی مبارزه را به طور صحیح و به نحو احسن اجرا نموده اند. و ایشان بر این باور هستند که قیام و نهضت حسینی باید در کمال حریت و آزادی و بدون هیچ گونه اجباری انجام شود. نیز در ترغیب و تشویق یارانش به مبارزه با باطل تلاش زیادی داشته اند و همچنین با استناد به آیات قرآن، آرامش خاطر و اطمینان قلبی در آنان ایجاد می نمودند تا اینکه در مقابل دشمنان هراسی نداشته باشند. همچنین از استناد امام حسین علیه السلام به آیات قرآن کریم چنین برداشت می شود که ایشان توکل به خدا، اعتقاد به ولی بودن خداوند برای صالحان، توجه به عنایت‌های ویژه پروردگار، تصمیم قاطع داشتن در برابر زورگویان و تکذیب کنندگان، بیان قهر و عدل الهی در برابر ظلم و غرور و تکبر دشمنان و همچنین راضی بودن به تقدیرات الهی را از اصول قیام خود می دانند. و در طول قیام خود از طرفی، به تبیین اهداف، ویژگی‌ها، ارزش قیام و نقش قیام در حفظ و استمرار دین پرداخته و حقانیت و الهی بودن حرکت را برای یاران خود به اثبات رساندند و از طرفی دیگر، وضعیت نامطلوب و چهره شوم ظلم خواهی و ناعدالتی دشمن را روشن و تبیین نمودند که این تبیین و تداوم بخشیدن به قیام تا شهادت ایشان در راه خدا موجب پایداری دین برای همیشه شده است.